

نگاهی گذرا به ابزارهای برون ترازنامه‌ای و تامین مالی برون ترازنامه‌ای

(قسمت دوم)

ترجمه و تألیف: محسن دستگیر، و

مهدی فیل سرائی

ابزارهای برون ترازنامه‌ای

به طور کلی انواع ابزارهای برون ترازنامه‌ای را به شرح زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. **اجاره‌های عملیاتی:** در این نوع اجاره‌ها دارایی‌ها و بدهی‌های مربوطه در صورت‌های مالی اجاره‌کننده نشان داده نمی‌شوند. در نتیجه، نسبت اهرمی و نسبت‌های سودآوری (بازده دارایی‌ها، بازده سرمایه‌گذاری‌ها، و بازده حقوق صاحبان سهام) بهتر از زمانی می‌شود که دارایی خریداری می‌شود.

۲. **واگذاری (فروش) حساب‌های دریافتنی:** در این روش شرکت‌ها اسناد و مدارک مربوط به مطالبات خود را به شرکت ثالث می‌فروشند. سازمانی که این مدارک را می‌خرد همگی ریسک‌های مربوط به وصول مطالبات و سوخت شدن آن را می‌پذیرد.

طرف‌های درگیر در انجام این ساز و کار عبارت‌اند از:
۱- شرکت فروشنده که فروش نسبی داشته است و اسناد دریافتنی (فاکتورها) را به شرکت ثالث می‌فروشد.

۲- خریدار نسبی کالا و خدمات (بدهکار)

۳- شرکت ثالث (فاکتورینگ)

شرکت‌های ثالث (فاکتورینگ) می‌توانند به عنوان مؤسسات مستقل فعالیت کنند ولی معمولاً شرکت‌های تابعه‌ی بانک‌ها و مؤسسات مالی هستند. این گونه شرکت‌ها پیش از اقدام به عملیات تامین مالی نسبت به ارزیابی ثبات مالی شرکت خریدار اقدام می‌کنند و از کیفیت اعتباری آن شرکت اطمینان حاصل می‌کنند.

۳. **خرید (تنزیل) قطعی دین (Forfaiting):** اصطلاح

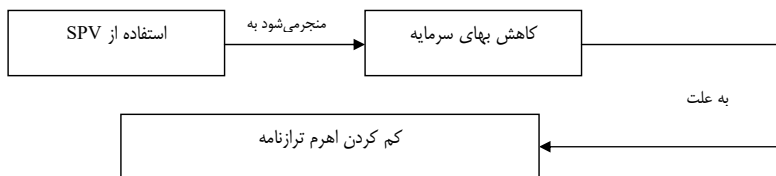
"فورفیتینگ" در معنی عام یعنی خرید تعهدات مالی برآمده از فروش کالا یا خدمات به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی آنها، و بدون حق مراجعه به متعهدان پیشین. در این معاملات اسناد مالی غالباً به شکل برات و سفته است.



به عنوان ابزار تامین مالی، و نیز سادگی ذاتی آنها است. زیرا به آسانی قابل انتقال هستند و مسائل و مشکلات آنها در چارچوب حقوقی بین‌المللی قابل رسیدگی است. پس از این که متعامل تصمیم به خرید تعهدی گرفت

اگر چه بدهی‌های دفتری، پرداخت‌های معوق مربوط به اعتبارات اسنادی، و دیگر شکل‌های تعهد نیز به صورتی نامتداول مورد معامله قرار می‌گیرند. پذیرش سفته و برات برای انجام این گونه معاملات به علت پیشینه‌ی دراز آنها

نمودار معاملاتی فرآیند تبدیل به اوراق بهادر



روش انجام کار ساده و سریع است. صادرکننده طلب خود را که عبارت از ارزش اسمی است (مبلغ مندرج در سفته یا برات) پس از کسر بهره (تنزیل) برای کل دوره، یعنی تا تاریخ سررسید، فوراً و نقدا دریافت می کند. این معامله برای صادرکننده در واقع به منزله ی تبدیل یک فروش مدت دار کالا به یک فروش نقدی کالا است. تنها مسئولیت وی در این است که کالا را به وجه رضایت آمیزی تولید و تحویل کند و اسناد تعهد را به وجه درست تنظیم کند. این عامل آخر، همراه با نرخ بهره ی ثابت که در ابتدا برای کل معامله دریافت می شود فورفیتینگ را برای صادرکننده جذاب می کند.

۴. تامین مالی پروژه های خاص: طبق یافته های فینرتی (۱۹۹۶) مراحل کلیدی تامین مالی پروژه های خاص به این صورت است که، پس از آغاز پروژه، درآمدها و هزینه ها صرف نظر از مخارج اولیه ی پروژه شناخته می شوند. علت این امر، جدایی مالکیت پروژه از مجری آن است. به عبارت دیگر، شرکت هایی وجود دارند که مسئولیت انجام پروژه ها را بر عهده می گیرند. این شرکت ها نوعی تامین مالی کننده ی خارجی تلقی می شوند. معمولاً یک شرکت زمانی از این نوع تامین مالی استفاده می کند که دارای توانایی مالی محدودی باشد، یا راه دیگری را که از نظر هزینه معقول باشد، نیافته باشد. تامین مالی پروژه های خاص را می توان تامین مالی منابع محدود نیز نامگذاری کرد.

تامین مالی پروژه های خاص دارای ویژگی های کلیدی زیر است:

(الف) توانایی مالی مجری پروژه

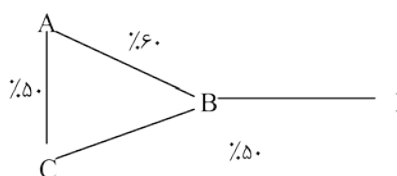
(ب) جدایی واحد انتفاعی (مالک پروژه) از مجری پروژه (پ) عدم امکان انجام تامین مالی با هزینه های کمتر

۵. برون سپاری: هم اکنون ما در عصر برون سپاری زندگی می کنیم. عصری که در آن شرکت ها برای گسترش فعالیت های شان - از طراحی محصولات تا مونتاژ، از تحقیق و توسعه تا بازاریابی، و توزیع و خدمات پس از فروش - قراردادهای فرعی می بندند. بعضی از شرکت ها به صورت کارخانه های مجازی دارای مالکیت طراحی محصول به فعالیت می پردازند و محصولات بسیاری در اختیار دارند، ولی خود صاحب چیزی نیستند و از توانایی دیگران در ساخت محصول استفاده می کنند. برون سپاری

نوعی تامین مالی محسوب می شود. زیرا در صورت عدم استفاده از این شیوه تجهیزات یا خدمات باید به صورت داخلی فراهم شود. ویژگی اصلی تامین مالی از راه برون سپاری واگذاری مسئولیت تهیه ی تجهیزات و خدمات به دیگر شرکت ها است.

۶. تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار: شاو (۱۹۹۱) تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار را عبارت از دسته بندی کردن مجموعه ای از دارایی ها همچون وام ها و حساب های دریافتی و واگذاری این مجموعه از دارایی ها به یک امین (مانند بانک) به عنوان وثیقه می داند. امین نیز با پشتوانه ی دارایی های به وثیقه گذاشته شده می تواند اوراق بهادار در انواع مختلف منتشر و به عموم عرضه کند. وجوه حاصل از انتشار این اوراق به صورت وام به شرکت پرداخت می شود. بنابراین، تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار را می توان فرآیندی دانست که در طول آن دارایی های غیرنقدشونده با یک شیوه ی مدیریتی بهتر به دارایی های زودنقدشونده تبدیل می شوند. در این شیوه ی تامین مالی با توجه به این که هیچ گونه بدهی شناسایی نمی شود. - چون همانند فروش، دارایی ها از ترازنامه حذف و به جای آن وجه نقد دریافت می شود - نوعی تامین مالی برون ترازنامه ای محسوب می شود.

۷. شرکت های شبه فرعی: در این روش یک شرکت به طور هم زمان به مالکیت مساوی دو شرکت دیگر در می آید. بنابراین، این شرکت، فرعی هیچ یک از شرکت ها نیست.



به عنوان مثال، در شکل بالا شرکت B هم زمان توسط شرکت های A و شرکت میانی I تملک شده است. ولی شرکت C شرکت فرعی هیچ یک از آنها نیست. شرکت C نیز هم زمان توسط شرکت های A و B تملک شده است. شرکت C با دریافت وامی تجهیزات یا کالایی را از A به صورت نقد خریداری می کند و دوباره به صورت اجاره این دارایی را در اختیار A قرار می دهد. با این کار نقدینگی و فروش A افزایش می یابد. ولی بدهی نشان داده نمی شود. چون شرکت A پول دریافتی از شرکت C را صرف بازپرداخت وام های قبلی خود می کند. در نتیجه، نسبت های اهرمی A کاهش می یابد. به کارگیری این روش پس از ۱۹۸۹ به دلیل تعریف متفاوت از شرکت های فرعی امکان پذیر نشد. بند ۵ بیانیه ی تحقیقات مالی شماره ۵ صراحتاً به این موضوع اشاره دارد "دارایی ها، بدهی ها، سود یا زیان و جریان های نقدی شرکت های شبه فرعی را باید در صورت های مالی شرکت های گروه مانند شرکت های فرعی ارائه و افشاء کرد".

۸. استفاده از شرکت های تابعه (SPE/SPV): یک روش استاندارد تامین مالی برون ترازنامه ای ایجاد یک شرکت تابعه ی با مقصود خاص (SPV یا SPE) و قراردادن دارایی ها و بدهی های شرکت پشتیبان مالی در ترازنامه ی آن است. SPV یک شرکت با موجودیت قانونی است که به منظور انجام بعضی وظایف محدود با یک هدف موقت ایجاد می شود. شرکت پشتیبان مالی SPV هدف مدنظر خود را از راه این موجودیت انجام می دهد، بدون این که مجبور باشد هیچ یک از دارایی ها و بدهی های مورد استفاده در برآوردن آن هدف را در ترازنامه ی خود بیاورد. به همین منظور، عموماً شرکت پشتیبان تنها

مالکیت بخشی از دارایی‌های SPV را بر عهده می‌گیرد. در واقع، SPV توسط شرکت دیگری (شرکت پشتیبان) ایجاد می‌شود و نمی‌تواند تصمیمات متکی به خود بگیرند. در واقع، هیچ کارمندی در یک SPV کار نمی‌کند؛ و SPV موقعیت (مکان) فیزیکی ندارد. شکل قانونی یک SPV ممکن است یک شرکت تضامنی، یک شرکت با مسئولیت محدود، یک تراست، یا یک شرکت سهامی باشد.

کاربردهای SPV:

- از SPV در انواع مختلفی از معاملات استفاده می‌شود؛ از جمله، فرایند تبدیل دارایی به اوراق بهادار، تامین مالی پروژه‌ها، و لیزینگ.
- SPV از دیدگاه مدیریت ریسک تامین مالی برون‌ترازنامه‌ای جذاب است. زمانی که دارایی‌ها و بدهی‌ها از یک ترازنامه به ترازنامه‌ی دیگری انتقال داده می‌شوند ریسک مرتبط با آن‌ها نیز منتقل می‌شود. برای مثال، اگر یک شرکت دارایی‌هایی از خود را که دارای ریسک اعتباری هستند به SPV انتقال دهد ریسک اعتباری آن‌ها نیز منتقل می‌شود.
- بعضی از شرکت‌ها می‌توانند از SPV برای فرار از مالیات استفاده کنند. بانک‌ها از تامین مالی برون‌ترازنامه‌ای برای کاهش سرمایه‌ی قانونی مورد نیاز خود استفاده

می‌کنند. این خود یکی از دلایل مهم برای بسیاری از فرایندهای تبدیل دارایی به اوراق بهادار است که صورت می‌گیرد.

- اگر چه SPV و تامین مالی برون‌ترازنامه‌ای دارای مقاصد مشروع بسیاری هستند، ولی می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای نمایش نادرست و همراه‌کننده‌ی صورت‌های مالی شرکت مورد استفاده قرار گیرند. پیش از این که انرون ورشکست شود، شمار بسیاری SPV (حدود 3000 SPV) ایجاد کرده بود و از آن‌ها برای پنهان‌سازی میلیاردها دلار بدهی خود استفاده می‌کرد. این سوءاستفاده‌ها و نیز سقوط‌هایی که در سال‌های 2001 تا 2003 رخ داد باعث ایجاد انگیزه برای محک دوباره‌ی SPV شد و نتیجه‌ی آن سخت‌گیرانه‌تر شدن قوانین، ضوابط، و قواعد حسابداری مربوط به آن بود.

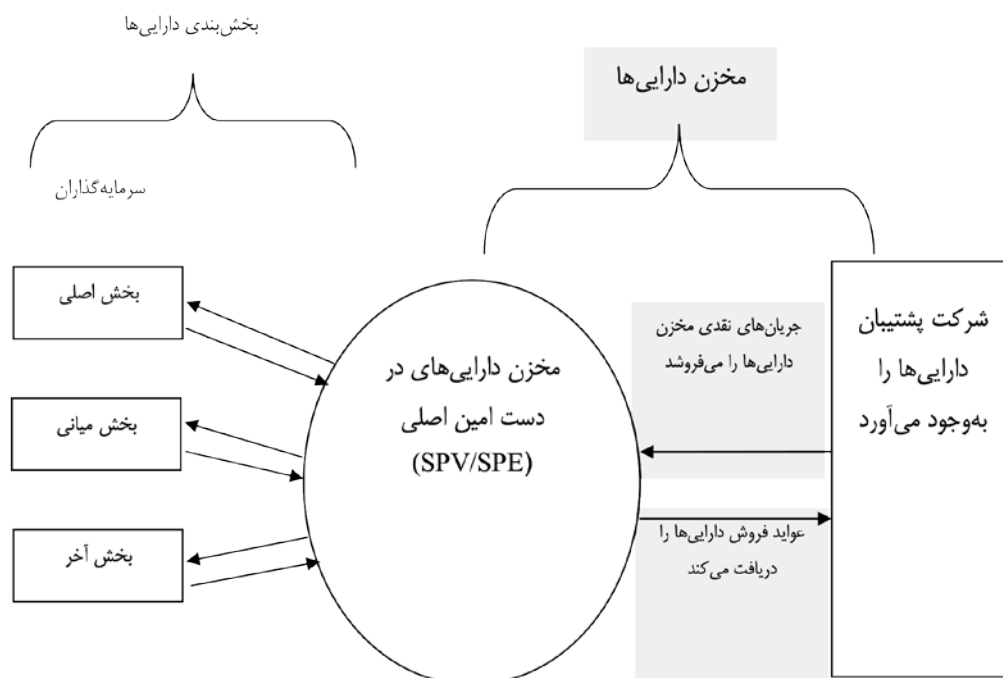
- یک شرکت می‌تواند از چنین ابزاری برای تامین مالی یک پروژه‌ی بزرگ بدون تحمل ریسک زیاد استفاده کند. از SPV اغلب در تبدیل وام‌ها (تبدیل به اوراق بهادار) یا دیگر ابزار تامین مالی استفاده می‌شود. برای مثال، بانک ممکن است بخواهد خود را از وام‌ها رها کند که این کار می‌تواند با راه‌اندازی یک SPV و

انتقال وام‌ها به آن صورت گیرد.

- از SPV برای کاهش هزینه‌های ورشکستگی نیز استفاده می‌شود. به همین دلیل، شرکت‌های ریسک‌پذیر بیشتر دنبال تامین مالی برون‌ترازنامه‌ای از این طریق هستند. هزینه‌های ایجاد SPV عبارت‌اند از:

الف) هزینه‌های ثابت تحمیلی راه‌اندازی SPV به شرکت پشتیبان
ب) عدم وجود مزیت (سپر) مالیاتی به دلیل کاهش بدهی‌ها و عدم گزارش هزینه‌ی بهره‌ی بدهی‌ها
SPV ممکن است یک شرکت فرعی از شرکت اصلی باشد؛ یا یک SPV یتیم باشد که با شرکت اصلی برای مقاصد مالیاتی، قانونی، و حسابداری تلفیق نشده است.
مبحث قابلیت تبدیل به اوراق بهادار در SPV/SPE: در فرآیند تبدیل به اوراق بهادار کردن، SPV شکل قانونی یک تراست را به خود می‌گیرد. یک تراست یک ساختار قانونی است که امین دارایی‌ها است. در فرآیند تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار، شرکت یا موسسه‌ای که نیاز به تامین مالی دارد، اقدام به راه‌اندازی یک شرکت با مقصد خاص می‌کند و آن دسته از دارایی‌های مالی خود را که دارای جریان‌های نقدی آینده هستند به شرکت با مقصد خاص (SPE) می‌فروشد. SPE برای این که وجه لازم برای

نمودار معاملاتی فرآیند تبدیل به اوراق بهادار



خرید این دارایی‌های مالی را فراهم کند، اقدام به انتشار اوراق بدهی با پشتوانه‌ی دارایی می‌کند و آن را به عموم سرمایه‌گذاران عرضه می‌کند. سپس، SPE وجوهی را که از محل فروش اوراق بدهی به دست آورده است، بابت خرید دارایی‌های مالی به شرکت اصلی پرداخت می‌کند. سرمایه‌گذارانی که اوراق بدهی با پشتوانه‌ی دارایی را خریده‌اند، از محل جریان‌های نقدی حاصل از دارایی‌های مالی SPE بازدهی کسب می‌کنند.

فرض کنید یک بانک با نرخ سود ۱۰ درصد سالانه اقدام به اعطای هزار دلار تسهیلات به مشتریان خود کرده است، و قرار است یک سال بعد مبلغ هزار و صد دلار از آنها دریافت کند. بنابراین، بخشی از دارایی‌های این بانک به ارزش هزار و صد دلار مربوط به حساب‌های دریافتنی حاصل از اعطای تسهیلات است. این بانک حساب‌های دریافتنی خود را به مبلغ ۱۰۵۰ دلار به SPE می‌فروشد. شرکت SPE به پشتوانه‌ی این حساب‌های دریافتنی اوراق بهاداری به ارزش ۱۰۵۰ دلار منتشر می‌کند و به عموم سرمایه‌گذاران می‌فروشد و وجوه حاصل را در اختیار بانک قرار می‌دهد.

پرسش این است که آیا انتقال حساب‌های دریافتنی به یک SPV فروش محسوب می‌شود، یا نه؟ اگر این انتقال فروش محسوب شود، یک تامین مالی برون‌ترانزنامه‌ای است. استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۴۰ (FAS140) دو الزام اصلی برای یک فروش واقعی در نظر گرفته است: ۱- SPV باید یک SPV واجد شرایط باشد.

۲- شرکت اصلی باید کنترل حساب‌های دریافتنی‌اش را پس از واگذاری از دست بدهد.

ویژگی‌های SPV واجد شرایط عبارت‌اند از:

- الف- آشکارا از شرکت اصلی متمایز باشد (۱۰٪ ارزش منصفانه‌ی آن توسط گروه سومی نگهداری شود)
- ب- به طور گسترده در فعالیت‌های مجازش محدود شده باشد.
- ج- فقط حساب‌های دریافتنی غیر فعال را نگهداری کند.
- د- حق فروش یا واگذاری مطالبات غیرنقدی را نداشته باشد.

واقعیت این است که FASB در تعریف SPV مشکلاتی داشته است. چون شرکت اصلی حق کنترل بر دارایی‌های واگذار شده را حفظ می‌کند.

بزرگ‌ترین بخش بازار دارایی‌های با پشتوانه، بازار اوراق بهادار با پشتوانه وام‌های رهنی است که در آنها دارایی پشتوانه‌ی اوراق بهادار منتشره وام‌های رهنی است.

نخستین انتشار عمومی اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارایی‌ها (غیر از وام‌های رهنی) به ۱۹۸۵ برمی‌گردد. تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها روشی برای ارتقای کارآمدی بخش بانکداری و توسعه‌ی کلی بازارهای مالی (سرمایه و بدهی) و دامن زدن به رشد اقتصادی است.

تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها یکی از روش‌هایی است که به نظر می‌رسد با توجه به مجموعه‌ی امتیازها و منافع آن و با عنایت به این که موجب آزادسازی بخش قابل توجهی از منابع درگیر در وام‌های رهنی می‌شود، می‌تواند نقش موثری را در سامان‌دهی بازارهای مالی و سرمایه‌ی کشور ایفا کند. این فرایند شامل یک کاسه کردن یا جمع وام‌ها و فروش اوراق بهاداری با ضمانت و پشتوانه‌ی آنها است.

موسسه‌ی امین شخص ثالثی است که با دریافت حق‌الزحمه حافظ منافع طرفین معامله در روند انجام کار است. از جمله وظایف این نهاد گزارش نظام‌مند از روند انجام کار، پذیرش جریان نقدی جمع‌آوری‌شده توسط موسسه‌ی خدماتی، و تلاش برای نظارت بر فعالیت‌ها به نمایندگی از طرف صاحبان اوراق بهادار و نیز کنترل اسناد قانونی مورد معامله است. از جمله وظایف امین آشکارسازی چگونگی انجام کار در قالب گزارش ماهانه‌ی موسسه‌ی خدماتی است. این فعالیت‌ها زیر عنوان قراردادهای قانونی در ساختار لازم برای حفظ سود صاحبان اوراق بهادار است. به‌طور مشابه، امین جریان نقدی جمع‌آوری‌شده و انتقال‌یافته توسط موسسه‌ی خدماتی و ارجاع آنها به سوی صاحبان اوراق بهادار را بر عهده دارد.

موسسه خدماتی در معاملات ساختاری معمولاً همان صادرکننده‌ی دارایی مورد نظر است. برای مثال، فرض کنید یک بانک مجموعه‌ای از اوراق رهنی را فراهم آورده است و از طریق موسسه‌ی امین به موسسه‌ی پذیرهنویسی انتقال می‌دهد. موسسه‌ی پذیرهنویسی بر اساس این اوراق رهنی اوراق قرضه صادر می‌کند. این موسسه مسئولیت پرداخت بهره را به صاحبان اوراق بهادار دارد. معمولاً در شکل بانکی فعالیت، صادرکننده‌ی اوراق بهادار نقش موسسه‌ی خدماتی را نیز دارد. این امر به صادرکننده‌ی اوراق بهادار اجازه می‌دهد از درآمد حق‌الزحمه در طول فعالیت بهره‌برد. در نتیجه، فعالیت‌های بانک با عموم مشتریان، دارایی‌هایی به عنوان رهن در گرو بانک قرار می‌گیرد که بانک آنها را در فرآیند تبدیل به امین واگذار می‌کند. امین نیز این دارایی‌ها را در اختیار موسسه‌ی پذیرهنویسی قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاران با خرید اوراق

بهادار با پشتوانه‌ی این دارایی‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. اگر موسسه‌ی خدماتی در ارائه‌ی خدمات قانونی خود با شکست روبرو شد، امین باید یک موسسه‌ی خدماتی جایگزینی را معرفی کند تا سود صاحبان اوراق بهادار محفوظ بماند.

۹. فروش و بازخرید دوباره‌ی موجودی‌ها: در این روش شرکت به دلیل نیاز به وجه نقد بخشی از موجودی‌های خود را به یک شرکت تامین مالی می‌فروشد، و طبق توافق، پس از گذشت زمانی معین آنها را دوباره به تملک خود درمی‌آورد. در واقع، شرکت نوعی وام دریافت می‌کند (از محل پول دریافتی بابت فروش موجودی‌ها) که باید آن را بازپرداخت کند. در غیر این صورت نمی‌تواند دارایی فروخته‌شده را، که در واقع نقش وثیقه را دارد، دوباره تملک کند.

۱۰. موجودی امانی: در این روش حق‌العمل‌کار کالایی را با قیمت فروش نقدی از فروشندگانه‌ی تحویل می‌گیرد تا به فروش برساند (ولی فعلاً پولی پرداخت نمی‌کند). حق‌العمل‌کار در این روش، کالا را به فروش می‌رساند و پس از اتمام زمان تعیین‌شده مبلغ فروش به علاوه‌ی مابه‌التفاوت نقدی و اعتباری را به حساب فروشنده واریز می‌کند و این مابه‌التفاوت را به عنوان هزینه‌ی بهره در نظر می‌گیرد، ولی در دفاتر ثبت نمی‌کند و هنگام فروش فقط ثبت خرید و بلافاصله ثبت فروش را در دفاترش منظور می‌کند. در واقع، حق‌العمل‌کار معادل قیمت نقدی موجودی از فروشنده وام دریافت می‌کند، و هنگام فروش موجودی اصل و بهره‌ی وام را به شرکت فروشنده بازپرداخت می‌کند.

۱۱. قراردادهای بازنشستگی: شرکت‌ها عموماً از دو نوع طرح بازنشستگی برای کارکنان استفاده می‌کنند که شامل "طرح بازنشستگی با کمک معین" و "طرح بازنشستگی با مزایای معین" است. حسابداری طرح‌های بازنشستگی با کمک معین ساده است و مسائل برون‌ترانزنامه‌ای ندارد. در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین مبنای مزایای بازنشستگی حقوق و مزایا و سنوات خدمت اعضا است. حسابداری این طرح‌ها دشوارتر از طرح‌های با کمک معین است. زیرا طرح نه تنها در قبل کمک جاری مسئولیت دارد، بلکه مسئول کفایت دارایی‌ها برای پرداخت مزایای تعهد شده به کارکنان است. از این رو، کمک جاری تنها بخشی از تعهدات است و بهای واقعی فقط با کمک جاری اندازه‌گیری نمی‌شود. اندازه‌گیری بهای مزایا در این طرح‌ها نیازمند متخصصان ریاضیات

شرح	APB8	SFAS87	SFAS158
دیدگاه	سود و زیانی	ترازنامه‌ای	ترازنامه‌ای
رویکرد محاسبه‌ی تعهدات	مزایای جاری	مزایای جاری	مزایای پیش‌بینی‌شده
شناسایی در صورت‌های مالی	ثبت هزینه	ثبت بدهی و عدم ثبت دارایی	ثبت دارایی و ثبت بدهی
اثر برون ترازنامه‌ای	بیشینه (non capitalization)	نسبی (partial capitalization)	کمینه (partial capitalization)

بیمه‌سنجی (اکچوئری) است که صلاحیت و تخصص لازم برای برآورد شمار کارکنان زنده، سطح حقوقی که کارکنان با آن بازنشسته می‌شوند، عمر مورد انتظار کارکنان، و... را دارد. در این طرح‌ها کارفرما دارای یک تعهد آینده برای اطمینان از این است که کارمند پس از بازنشستگی مزایای از قبل تضمین‌شده‌ی خود را دریافت می‌کند. برای اطمینان از این امر، شرکت‌ها مکرراً واحدهای اقتصادی قانونی جداگانه‌ای همانند صندوق‌های امانی برای مدیریت و سرمایه‌گذاری وجوه بازنشستگی ایجاد می‌کنند. این امر بر روی تعهدات کارفرما برای گردآوری سرمایه برای مزایای کارکنان اثر می‌گذارد.

سیر تکاملی اهم استانداردهای مزایای پس از بازنشستگی:

الف - APB8: با انتشار این نشریه حرکت به سوی حسابداری تعهدی آغاز شد و شرکت‌ها از پنج روش برای ثبت هزینه‌های بازنشستگی استفاده کردند.

ب - بیانیه 87 FASB: در این بیانیه، دیدگاه دارایی-بدهی مورد پذیرش قرار گرفت، و ضوابط جدید موجب ایجاد حداقل بدهی بازنشستگی در ترازنامه شد.

پ - بیانیه 158 FASB: این بیانیه که در ۲۰۰۶ منتشر شد، بیانیه‌های پیشین درباره‌ی حسابداری بازنشستگی را اصلاح کرد، و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای مبالغی که پیش‌تر بیرون از ترازنامه گزارش می‌شدند را کاهش داد. در بیانیه ۱۵۸، دارایی مرتبط با مزایای بازنشستگی نیز همچون بدهی‌ها قابل شناسایی در ترازنامه شد.

بیانیه ۱۵۸ نیز به مانند دیگر بیانیه‌های اصلاحی FASB به شماره‌های ۸۷، ۸۸، ۱۰۶ و ۱۳۲ سرمایه‌ای کردن جزئی را مورد پذیرش قرار داد. ایرادی که به بیانیه ۱۵۸ گرفته می‌شود این است که نرخ‌های تنزیل به کار رفته برای محاسبه‌ی PBO توسط مدیریت تعیین می‌شود که می‌تواند دستکاری شود. بر اساس مطالعات

بسیار انجام‌شده، معمولاً نرخ‌های تنزیل بالا در نظر گرفته می‌شوند که این خود باعث می‌شود بدهی طرح کمتر محاسبه شود (ارزش فعلی بدهی کمتر شود).

۱۲. تعهدات احتمالی و تضمین‌ها: تعهدات احتمالی و تضمین‌ها در برگیرنده‌ی عدم قطعیت‌هایی است که یک شرکت ممکن است در آینده متحمل یک بدهی شود و باید با انتقال وجه نقد یا دیگر دارایی‌ها آن را تسویه کند. نکته‌ای که باید مد نظر قرار داد این است که تعهدات احتمالی و تضمین‌ها در برگیرنده‌ی مبالغ نامشخص هستند. از جمله این موارد می‌توان به پرداخت‌های احتمالی در نتیجه‌ی یک دعوی حقوقی یا میزان پیشرفت یک رای در دادگاه که شرکت ممکن است درگیر آن شود یا پرداخت بابت تضمین محصولات معیوب و ناتوانی در پرداخت وام‌های تضمینی اشاره کرد. بیانیه‌ی شماره ۵ هیات استانداردهای حسابداری مالی، با عنوان "حسابداری پیشامدهای احتمالی" الزام کرده است که این پیشامدها به سه درجه مطرح هستند: ممکن، محتمل، و بعید.

اگر هر دو شرط زیر برقرار باشد، در نظر گرفتن ذخیره برای زیان امکان‌پذیر است:

الف- اطلاعات موجود پیش از انتشار صورت‌های مالی نشان‌دهنده‌ی این باشد که ممکن است دارایی از بین رفته باشد یا بدهی در تاریخ صورت‌های مالی واقع شده باشد.

ب- مبلغ زیان را به‌طور معقول بتوان برآورد کرد. اگر هیچ‌گونه ذخیره‌ای برای زیان احتمالی در نظر گرفته نشود به علت این که یک یا هر دو شرط موجود در بالا برآورده نشود یا اگر ارائه‌ی زیان بیش از مبلغ ذخیره‌ی مربوط به شرط‌های بالا باشد، افشای زیان احتمالی هنگامی که احتمال معقولی از رخداد زیان وجود داشته باشد، باید صورت گیرد.

۱۳. اوراق مشتقه: ابزارهای مشتقه فاقد ارزش

مستقل هستند و ارزش آنها از ارزش دارایی اصلی مشتق می‌شود. تصور رایج این است که ابزارهای مشتقه دارایی هستند. در صورتی که این تصور نادرست است. زیرا یک ابزار مشتقه خود به تنهایی نمی‌تواند ارزشی داشته باشد و ایجاد کند. ولی بسیاری از ابزارهای معمول مانند سوآپ‌ها، معاملات آتی، و اختیار معامله که دارای ارزش ذاتی نظری هستند می‌توانند از طریق فرمول‌هایی همچون بلک شولز محاسبه شوند و به صورت مکرر در بازارهای آزاد پیش از تاریخ سررسید مورد معامله قرار گیرند. استفاده از ابزارهای مشتقه به دلیل ایجاد اهرم یا وام‌گیری زیاد می‌تواند منجر به زیان‌های شدیدی شود. مهم‌ترین ابزارهای برون‌ترازنامه‌ای آن عبارت‌اند:

قراردادهای آتی (Forward contracts) و پیمان‌های آتی (Future contracts): قراردادهای خرید آینده که در غرب به آن "قراردادهای پتر یا بیرداز" (Take-or-pay Contracts) نیز گفته می‌شود، قراردادهای خرید کالا یا خدمات در آینده هستند که در آن خریدار بدون قید و شرط متعهد می‌شود حتی در صورت دریافت نکردن کالا یا خدمات ملزم به پرداخت قسمتی از بهای فروش باشد. این قراردادها شرکت‌ها را در برابر ریسک آتی مصون می‌دارد. یعنی نرخ‌های ثابت و شناور آینده را با یکدیگر مرتبط می‌کند و به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد تا این نرخ‌ها را به یکدیگر تبدیل کنند.

اختیارهای معامله (Options): قرارداد اختیار معامله توافقی بین واگذارکننده و تحصیل‌کننده‌ی حق خرید (Call Op) یا حق فروش (Put Op) دارایی تعهدشده است؛ بدین‌صورت که تحصیل‌کننده (دارنده‌ی اختیار)، حق خرید یا حق فروش دارایی مشخصی (اعم از دارایی‌های مالی و غیر مالی) را با قیمت مشخصی و در تاریخ معینی در آینده خواهد داشت. این قرارداد اختیار و امکان این را به شرکت می‌دهد تا یک طرف ریسک را



شرکت داده پردازان نسل آریا
ارائه کننده نرم افزار های مالی و پرسنلی

ترازنگار

TARAZNEGAR

فکری نو، طرح نو، تجربه نو



Taraznegar
Software Group

- ♦ حسابداری ساده و پیشرفته
- ♦ حقوق و دستمزد با کلیه امکانات
- ♦ خرید، فروش و خزانه
- ♦ تولید و بهای تمام شده
- ♦ پنل پیامک
- ♦ حسابداری تحت وب
- ♦ گارانتی و پشتیبانی یک ساله
- ♦ کاربری آسان برای همه کاربران
- ♦ قابلیت بکارگیری در محیطهای شبکه و تک کاربره
- ♦ نرم افزارهای کشتیرانی، عکاسی، کارواش و فروشگاههای...



Location



Website

خط ویژه: ۰۲۱ ۸۸۴۴۳۲۵

Email: info@taraznegar.ir
www.taraznegar.ir

برای خود ببوشاند (رود پستی و دیگران، ۱۳۸۹).

قرارداد معاوضه (تاخت - Swaps): سوآپ قراردادی است که جریانهای نقدی را که بر اساس ارزش پایهای واحدهای پولی، نرخهای مبادلات، نرخهای بهره، سهام و دیگر داراییها پی ریزی شدهاند، پیش از تاریخ آتسی مورد معامله قرار می دهد. در قراردادهای معاوضه، مجموعه ای از جریانهای نقدی با نرخ ثابت با مجموعه ای از جریانهای نقدی با نرخ شناور تاخت زده می شوند. بدین صورت ریسک تغییر نرخ آینده کنترل پذیر می شود. این قراردادها شامل تاخت نرخ بهره (سود)، تاخت نرخ ارز، تاخت کالا، تاخت مالکیت و... هستند.

به طور کلی، ابزارهای مشتقه به دلایل مختلفی همچون دلایل زیر از سوی سرمایه گذاران مورد استفاده قرار می گیرند:

الف) فراهم کردن اهرم که بدان طریق حرکتی کوچک در ارزش دارایی پایه می تواند منجر به تفاوتی اساسی در ارزش اوراق مشتقه شود.

ب) سفته بازی و دستیابی به سود: اگر ارزش مشتقات مطابق انتظار سرمایه گذاران حرکت کند این واقعیت محقق می شود.

ج) پوشش دهی و کاهش ریسک در دارایی پایه

د) خلق اختیارات در جایی که ارزش مشتقات وابسته به شرایط و یا رویدادهای خاصی باشد.

۱۴. اعتبارات اسنادی جایگزین (SBLC): یک نوع قرارداد غیرقابل فسخ از طرف بانک صادر کننده برای انجام پرداخت به ذی نفع معینی است. این قرارداد بانک را متعهد می کند که تضمین کننده باشد یا به عنوان ضامن برای گروه سومی آماده باشد. معمولاً بانکها از گزارش این تعهد در صورتهای مالی خود خودداری می کنند. بر مبنای SBLC اگر یکی از بانکها توانایی انجام تعهدات را نداشته باشد، بانکهای دیگر مسئول پرداخت تعهد نیستند.

نتیجه گیری

با توجه به پیامدهای تامین مالی برون ترازنامه ای شامل صورتهای مالی ناشفاف، گمراهی استفاده کنندگان، نسبتهای مالی نادرست، و... می توان چنین نتیجه گیری کرد که برای کاهش اثرات این نوع تامین مالی بهتر است در تدوین استانداردها از رویکرد مبتنی بر قواعد به جای رویکرد مبتنی بر اصول استفاده شود. رویکرد مبتنی بر قواعد امکان مقایسه بین شرکتها و ثبات رویه را فراهم می کند. این رویکرد به علت تعیین قواعد و استانداردهای جزئی و تفصیلی سبب اطمینان بیشتر حسابرسان هنگام اظهار نظر می شود. هم چنین، باعث کاهش جنبه های مدیریت سود و حساب آرای از طریق کاهش حیطه ی قضاوت می شود.

منبع:

Special Purpose Vehicles and Securitization: Gary B. Gorton and Nicholas S. Souleles, <http://www.nber.org/books/care06-1>, Publication Date: January 2007

محسن دستگیر: عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان، استاد تمام بازنشسته دانشگاه شهید چمران، دکتری حسابداری و مدیریت مالی
مهدی فیل سرائی: عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد